



Index فهرست

Introduction	7	۷	مقدمه
About maestro Vaziri	8	۸	درباره استاد وزیری
Handwritten notes of maestro Vaziri	8	۸	یادداشت هایی به خط استاد وزیری
Chapter 1		فصل اول	
Key signatures in Čahārgāh	20	۱۸	تن شناسی چهارگاه
Tuning the Tār and Setār in Čāhārgāh according to common frets.	24	۲۴	کوک تار و سه تار برای چهارگاه از پرده های مرسوم
Scale of Čahārgāh (Do) C	26	۲۶	گام چهارگاه
Chapter 2		فصل دوم	
Darāmad -e Čahārgāh	30	۳۰	درآمد چهارگاه
Panje Še,ri	32	۳۲	پنجه شعری
Pīš zangule	33	۳۳	پیش زنگوله
Zangule	35	۳۵	زنگوله
Kerešme	37	۳۷	کرشمه
Zābol - Bastenegār - Sārbāng	38	۳۸	زابل - بسته نگار - ساریبانگ
Muye-ye Saqīr	40	۴۰	مویه صغیر
Muye-ye Kabir & Šekaste muye	41	۴۱	مویه کبیر و شکسته مویه
Hesār	42	۴۲	حصار
Mokhālef	44	۴۴	مخالف
Maqlub & Naqme-ye Maqlub	46	۴۶	مغلوب و نغمه مغلوب
Zābol-e Gabri	48	۴۸	زابل گبری
Darāmad-e Šuštārī	50	۵۰	درآمد شوشتری
Baxtiyārī bā Moālef	52	۵۲	بختیاری با موالف
Jāme darān & Forud on Čahārgāh	53	۵۳	جامه دران و فرود به چهارگاه

Mansurī	54	۵۴	منصوری
Hodi	57	۵۷	حدی
Pahlavi	58	۵۸	پهلوی
Rajaz	59	۵۹	رَجَز
Lezgi	60	۶۰	لزگی
matn	62	۶۲	متن
Reng-e Šalaxo	64	۶۴	رنگ شلخو
Chapter 3		فصل سوم	
Reng-e Čahārgāh	65	۶۵	رنگ چهارگاه
Salām	66	۶۶	سلام
Čahār meZRāb-e Čahārgāh	68	۶۸	چهارمضراب چهارگاه (۱)
Reng-e Nāz	71	۷۱	رنگ ناز
Āpārdī tātār manī	74	۷۴	آپاردی تاتارمنی
Etud-e Mehr	76	۷۶	اتود مهر
Zarbi-ye Mokhālef	79	۷۹	ضربی مخالف
Čahār meZRāb-e Čahārgāh 2	81	۸۱	چهارمضراب چهارگاه (۲)
Dokhtarak-e Julide 1	83	۸۳	دخترک ژولیده (۱)
Dokhtarak-e Julide 2	86	۸۶	دخترک ژولیده (۲)
Dokhtarak-e Julide 3	89	۸۹	دخترک ژولیده (۳)
Bi kārVān Kowli	91	۹۱	بی کاروان کولی
Be Zendān	94	۹۴	به زندان
Čahār meZRāb-e Šuštarī	96	۹۶	چهارمضراب شوشتری
Čahār meZRāb-e Čahārgāh 3	101	۱۰۱	چهارمضراب چهارگاه (۳)
Safar karde	104	۱۰۴	سفر کرده

تشریح ستار

ستار - نیم گره است چوبه که بتدریج جمع شده و منقبض بدسته میگردد.

صفت - تقطیع نیم گره را صغیر، چوبه انداخته دور آن فاصده $\frac{1}{14}$ یک چهاردهم از سیم گیر تا شیطانی که حرکت

میگذارد و سیم را در دور آن برقرار میکنند.

قد ستار - بطول متوسط قد ستار ۷۶ سانتیمتر است در صورتیکه قد نام معمولاً ۹۶ است.

از حرکت تا شیطانی که - معنی است که سیم آزاد است و صدا میدهد، و بنام سیم ستار فوق ۹۳ سانتیمتر است.

در صورتیکه در نام ۹۶ است.

پهنای روی گسته - معمولاً (۲/۵) در و نیم است در صورتیکه در نام (۳/۷) است و نیم یا بیشتر است.

محل حرکت - بطول عموم در نام ستار معنی گذارشته میشود که در بند کاسه از بند جایش فراتر است.

در ستار چهار تا چهاردهم سانتیمتر فاصده از سیم گیر گذارشته میشود.

محل گوشی؟ - شتر نام سرداشتی برابر عبور سیمها ندارد بلکه در سر پنجه گوشی تا فرورفته اند، سیمها از زیر پرده

جداره لایه که فوق شیطانی که بسته شده گذارشته و به گوشی پهنیده میشوند. و گوشی بنام

سیم سفید (اول و دوم) و در گوشی زیرین برابر سیم زرد (۳ و چهارم) است.

سیمها - کتیبا چهار سیم دارد، سیم اول (دوم) و سیم سوم (چهارم) نام در ستار یک سیم است

با باریخ تفاوت همین است و الله لوگ کتیبا شتر نام است. غالباً در نام یک سیم است که از

دو سیم سیم صد اصد میشود و آن صاف بنوع صد است که یا خوب لوگ میشوند یا اینکه سیمها

طبیعتاً ناجور میشوند و سیم است که این عیب در ستار صفت و از این جهت و نیز در رابطه فقدان نیست

کامتر از نام است.

فاصده سیمها - معمولاً بنا به صورت فاصده بر چهار سیم را یک تناسب میکنند و نام سیم است که بین اول و دوم باید فراتر باشد

تا انگشت تا سرت کنند سکر بین سوم و چهارم سیم سیم که نام است زیرا این در حالتی به هم گام بعدی لوگ شتر نام

زیر انگشت میزند.

Zābol

زابل

7/6

شاهد زابل
Šāhed-e Zābol

Bol bo laz fey ze gol ā moxt so xan var na na bud
in ha me qow lo qa zal t' bi ye dar men qā raš

Bastenegār

بسته نگار

♩ = 76

7/7

ساربانگ

Sārbāng

8/8

Shiraz-Beethoven.ir

Darāmad-e Šuštarī

درآمد شوشتری

10/15

ایست شوشتری
Šāhed-e Šoštarī

شاهد شوشتری
Šāhed-e Šoštarī

Gof tam qa me to dā ram

gof tā qa mat sa rā yad gof tam ke mā

he man šo gof tā a gar ba rā yad

Čahārmezrāb-e Čahārgāh 1

چهارمضراب چهارگاه ۱

K.Sāket

کیوان ساکت

3/3 $\text{♩} = 112$

5
9
13
17
21
25
29
33
37

8^{vb} 8^{vb} 8^{vb} 8^{vb} 8^{vb} 8^{vb} 8^{vb} 8^{vb} 8^{vb} 8^{vb}

2 1 1 2 8^{vb} 8^{vb} 8^{vb} 3 4 3 1 2 8^{vb} 8^{vb} 8^{vb}

Shiraz-Beethoven.ir

115
 121
 126
 132
 137

če ša vad a gar na fa se sa har xa ba rī
 be ka se de gar na ko nam na zar ke de lam
 ze to ã rad
 na go zā rad
 raf ti yo sab . ro qa rā re ma rā bor dī bor
 dī tā qa te in de le zā re ma rā bor
 dī bor dī

کجا سفر کردی؟ که بی خبر رفتی؟ اشکم را چرا ندیدی از من دل چرا بریدی
 پا از من چرا کشیدی؟ که پیش چشمم بر دگر رفتی؟
 بیابانه بالینم که جان مسکینم تاب غم دگر ندارد جز بر تو نظر ندارد جان بی تو ثمر ندارد
 مگر چه کردم که بی خبر رفتی؟

چه قصه ها تو از وفا گفتی با من تو بی محبتی کنون جاننا یا من؟
 تو چنان شرر به خدا خبر ز خدا نداری رود آتش از سر آن سرا که تو پا گذاری
 سوز دلم را ندانی آتش جانم نشانی با غمت درآمیزم از بلا نپرهیزم
 پیش از آن برم بنشین کز میانه برخیزم

رو به تو کردم به خدا خوبه تو کردم که هماغوش تو باشم
 دل به تو بستم به امیدت بنشستم که قدح نوش تو باشم

چه شود اگر نفس سحر خبری ز تو آرد؟ به کس دگر نکنم نظر که دلم نگذارد
 رفتی و صبر و قرار مرا بردی بردی طاقت این دل زار مرا بردی بردی